



**سقوط، به وقت کرونا**

**مانا نیستانی**





---

## سقوط، به وقت کرونا مانا نیستانی

طرح جلد و صفحه آرایشی: توسکا جم

Copyright © 2021 Off-Centre Productions  
Cambridge Street, London SW1V 4PS, 83  
United Kingdom  
All right reserved

[www.iranwire.com](http://www.iranwire.com)  
[info@iranwire.com](mailto:info@iranwire.com)

## مقدمه

### مانا نیستانی

این برش خیلی کوتاهی است از زندگی چهار شخصیت تخیلی، قصه‌ای ناکامل از زندگی‌هایی ناکامل که مخالف و موافق، انگار اسیر یک طلسم‌اند و مجال تکمیل نمی‌یابند. طلسم زندگی در کشتی‌ئی که کشتی‌بانانش اهمیتی به غرق شدن و از بین رفتن کشتی‌نشینان نمی‌دهند. کشتی‌بانان، علاقه به حافظه‌جمعی و تاریخی ما ندارند، از فراموشی ما تغذیه می‌کنند تا یادمان نیاید چه بلاها بر سر ما و کشتی آورده‌اند و تنها مشغول ملامت خود و یکدیگر باشیم. این قصه مصور کوتاه، تلاش کوچکی است برای ثبت لحظه‌ای از این تاریخ. ماجرای کرونا در ایران اما همچنان ادامه دارد، هر روز برگی تازه و معمولا دردناک بر آن افزوده می‌شود، قربانیان تازه‌ای هم می‌گیرد. زمان نگارش کتاب، **خسرو سینایی** معروف‌ترین شخصیت فرهنگی قربانی ویروس بود که اشاره‌ای به نامش کردم، بعدتر **اکبرعالمی**، **پرویز پورحسینی**، **کامبوزیا پرتوی**، **چنگیز جلیلوند** و خیلی‌های دیگر به این فهرست اضافه شدند. غیر از نام مسوولین مرتبط به پرونده کرونا در ایران و سیاستمداران، مابقی اسامی و شخصیت‌ها تخیلی‌اند و هرگونه شباهت احتمالی با نام اشخاص واقعی ناخواسته بوده.

تقدیم به تمام قربانیان ویروس کرونا و البته ویروس بزرگ‌تری که بیش از چهار دهه، بیشمار از ملت ما را به کام مرگ داده است.

## مردمی که رهبران‌ش به آن‌ها خیانت می‌کنند

### گفت‌وگوی مازیار بهاری با مانا نیستانی

آیا تا به حال مشت به چانه شما خورده است؟ بهترین کاریکاتورهای «مانا نیستانی» مرا به یاد یک مشت قوی به چانه می‌اندازد. دردی دارد که از مغز نفوذ می‌کند در چشم و بعد می‌زند به قلب و می‌ریزد پایین توی دل و روده و در یک لحظه نقش زمین‌تان می‌کند. زیبایی تراژیکِ بهترین طراحی‌های مانا، شما را خلع سلاح می‌کند و آزارتان می‌دهد؛ زیباییِ دردناکی که فراموش شدنی نیست.

مانا شخصاً تراژدی ایرانی را زندگی کرده است. در سال ۲۰۰۶، به جرم کشیدن یک کاریکاتور در ایران زندانی و تهدید به مرگ شد. از آن زمان تا کنون (نخست در مالی و حالا هم در فرانسه) در تبعید زندگی می‌کند. اما هر کجا که باشد و زندگی کند، همواره هنرمندی ایرانی است. از دل آثارش درد و رنج ایرانیان را می‌توان حس می‌کرد؛ مردمی که مورد خیانت و سرکوب رهبران‌شان قرار گرفته‌اند. در کاریکاتورهای او، ایرانیان مردمی آرام هستند؛ هنرمندان، کارگران، نویسندگان، معلمان و همه کسانی که عده‌ای جنایت‌کار متعصب آن‌ها را گروگان گرفته‌اند.

از زمانی که نیروهای امنیتی هزاران معترض را در جریان شورش گسترده آبان ۱۳۹۸ به قتل رساندند، طنز سیاه و تلخ مانا سیاه‌تر و تلخ‌تر شد. چند ماه بعد، روز ۱۸ دی ۱۳۹۸، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی یک هواپیمای مسافربری اوکراینی را در نزدیکی تهران سرنگون کرد و همه سرنشینان آن را کشت. این بار هم حتی یک تن به اتهام قتل ۱۷۶ انسان بی‌گناه که بیشترشان ایرانی بودند، محاکمه نشد.

ناکامی مطلق جمهوری اسلامی در مقابله با بیماری همه‌گیر «کووید-۱۹»، بی‌کفایتی

و فساد حاکم در این رژیم را که سال‌ها است برای همه آشکار شده‌اند، بیشتر نمایان کرد. دولت ایران می‌گوید این بیماری همه‌گیر، جان بیش از ۶۰ هزار تن را گرفته است. اما ما می‌دانیم که دروغ می‌گوید. آمار واقعی بسیار بیشتر از این‌ها است. آمار و ارقام کووید-۱۹ از اسرار حکومتی هستند و افشا و انتشار آن‌ها «جاسوسی» محسوب می‌شود.

داستان کتاب جدید مانا از بهمن ۱۳۹۸ آغاز می‌شود؛ دولت ایران می‌داند که بیماری کشنده جدیدی در چین شایع شده است اما ترجیح می‌دهد سکوت کند زیرا چین مهم‌ترین شریک اقتصادی و یکی از معدود متحدان حکومت است. حکومت البته می‌خواهد سالگرد انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ را نیز در ۲۲ بهمن ماه برگزار کند. پس نه تنها از مردم نمی‌خواهد که برای حفظ جان خود ماسک بزنند و تدابیر بهداشتی را رعایت کنند بلکه آن‌ها را تشویق می‌کند که به خیابان بیایند و در مراسم و راهپیمایی‌های گسترده شرکت کنند. ۱۰ روز بعد، پس از آن که ده‌ها ایرانی به کووید-۱۹ مبتلا و در بیمارستان بستری می‌شوند، انتخابات مجلس شورای اسلامی برگزار می‌شود و مردم را بدون رعایت مسایل بهداشتی، به پای صندوق‌های اخذ رأی دعوت می‌کنند. کتاب مانا روایتی است از زندگی ایرانیانی که در جامعه‌ای از هم پاشیده روزگار می‌گذرانند. نخستین پرسش من از او درباره شخصیت‌های این کتاب و گذشته آن‌ها است.

**چه‌طور به این شخصیت‌های درون کتاب رسیدی؟ آیا این شخصیت‌ها، افرادی هستند که در زندگی خصوصی خودت می‌شناسی؟**

احساس کردم جالب می‌شود اگر بتوانم بخشی از زندگی و اتفاقات روزمره مردم ایران در دوران کرونا را در چهار شخصیت اصلی داستان بیاورم. در این کتاب، روزنامه‌نگاری را داریم که نگران وضعیت فعلی کشور است و اطلاع‌رسانی حقیقی درباره آمارهای کرونایی را وظیفه خود می‌داند. شخصیت نویسنده‌ای را هم می‌بینیم که ابتدا به تغییر و تحول در جامعه اعتقاد داشته و کمی امیدوار بوده است اما در اثر مشاهده اتفاقاتی، از تغییر

و مشارکت در تحولات و وقایع سیاسی کشور ناامید می‌شود. هم‌چنین یک معلم قرآنی وجود دارد که در شهر قم زندگی می‌کند و از هواداران نظام به شما می‌رود. در نهایت هم به سراغ یک پرستار رفتم که جزو مظلوم‌ترین افشار جامعه در رویارویی با کرونا هستند.

**درباره محتوا و داستان این کتاب برای مان بگو که از کجا آغاز می‌شود و هدف اصلی تو در روند داستان چه بوده است؟**

حقیقت این است که محتوای کتاب چندان دراماتیک نیست و روند ساده و قابل فهمی را طی می‌کند. ماجرا از نویسنده‌ای آغاز می‌شود که یکی از نزدیکانش را در هواپیمای اوکراینی که توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سرنگون شد، از دست داده است. برای همین، دل‌شکسته است و دیگر نمی‌خواهد در انتخابات و اتفاقات سیاسی مشارکتی داشته باشد. این اتفاق هم نزدیک به انتخابات مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۹۸ رخ می‌دهد که پیش از آن، تلویزیون حکومتی ایران سرشار از تبلیغات برای حضور مردم پای صندوق بود. می‌دانیم که گزارش‌هایی هم از تلویزیون پخش می‌شد و در شهرهای مختلف به خیابان می‌رفتند تا کووید-۱۹ را از زبان مردم انکار کنند. پس به همه این اتفاقات در این کتاب اشاره شده است.

**به نظر می‌رسد که شخصیت «نویسنده» در داستان شبیه به شخصیت خودت باشد؛ چون تو هم زمانی برای رسانه‌های اصلاح‌طلب کار می‌کردی و در ماجرای شلیک سپاه به هواپیمای مسافربری هم یکی از عزیزانت را از دست دادی.**

البته که محتوای کلی کار، توضیح چندانی درباره جزئیات زندگی شخصیت‌ها نمی‌دهد و فرق داستان کوتاه و داستان بلند هم همین است. در این‌جا بیشتر به موقعیت‌ها توجه می‌شود. اما در هر حال به نظر می‌آید که فرد مورد اشاره، رمان‌نویس یا نویسنده‌ای است که برای خود اعتباری دارد و در شکل‌گیری شخصیتش، نه فقط از خودم بلکه از کسانی که می‌شناسم و حادثه هواپیمای اوکراینی خیلی بیشتر بر روی زندگی آن‌ها تاثیر گذاشته است، الهام گرفته‌ام.

مانند برادر و برادرزاده‌ات که حادثه شلیک به هواپیما موجب شد تا نامزد برادرزاده‌ات کشته شود؟

نمی‌خواستم اسم ببرم اما بله، درست است؛ خصوصا برادرم «توکا» بعد از آن اتفاق، درد زیادی را متحمل شد و در تمام کارهایی که طی یک سال اخیر انجام داده است، ردی از حضور آن هواپیما را می‌بینیم و مدام اعلامش می‌کند. این اتفاق به یک حضور تمثیلی در آثار من هم تبدیل شده است و از آن الهام می‌گیرم. در این طرح‌ها، شخصیت نویسنده حضور دارد و هواپیما هم هست؛ یعنی انگار در ذهنش دارد سقوط می‌کند. البته که مشخصات این نویسنده در کتاب فعلی دارای جزییات دیگری هم هست و به کلی نشأت گرفته از برادرم نیست.

به نظر می‌رسد برای تصویر شخصیت «روزنامه‌نگار» داستان، از «محمد مساعد»، روزنامه‌نگار ایرانی الهام گرفته باشی.

بله، قطعا یکی از منابع الهام من برای شخصیت روزنامه‌نگار، محمد مساعد بوده است و از مساعد و تمام روزنامه‌نگارانی که در ایران هزینه‌های عواقب احتمالی افشاگری‌های خود را به جان خریده‌اند، الهام گرفته‌ام. حتی از شخصیت «محمود شهریاری» که در ویدیوهایی اینستاگرامی نسبت به شیوع کرونا در ایران هشدار می‌داد و مدام سوال مطرح می‌کرد نیز استفاده کرده‌ام که دیدیم شهریاری هم در نهایت بازداشت و تویخ شد. شخصیتی که من به تصویر درآورده‌ام، نه کاملا برگرفته از محمد مساعد یا محمود شهریاری و یا دیگر روزنامه‌نگاران و فعالان رسانه‌ای است بلکه کاراکتری تخیلی است که گوشه‌هایی از تمام این افراد را در خود دارد. در طرح نهایی می‌بینیم که این شخصیت مقابل دوربین درباره چراهای مختلفی صحبت می‌کند و این که آیا نمی‌شد جلوی مرگ خیلی از آدم‌ها گرفته شود؟ یا سوال درباره آمار زیاد فوتی‌های ما نسبت به سایر کشورها.

چه طور به شخصیت «پرستار» داستان رسیدی؟

شخصیت پرستار شاید یکی از دورترین و سخت‌ترین شخصیت‌هایم باشد. به این

خاطر که بر خلاف نویسنده و روزنامه‌نگار و معلم قرآن، هیچ‌گاه با پرستارها ارتباطی نداشته‌ام و شیوه زندگی و تفکر یک پرستار برایم غریب بود. سعی کرده‌ام شخصیت پرستار را به عنوان یک دختر و زن، فارغ از شغلش در نظر بگیرم که برخلاف تمام شعارها و حرف‌های آرمان‌گرایانه عمل می‌کند. البته قابل فهم است که آن کلمات رویایی پرستاده برای این قشر هم جهت بزرگداشت مقام کادر پزشکی است اما شعاردهندگان هیچ‌گاه شکنندگی، سختی‌ها و حتی ناامید شدن این قشر را در نظر نمی‌گیرند؛ مثلاً همین اواخر خبرهایی منتشر شد که پزشکان و پرستاران در ایران به صورت دسته‌جمعی و گروهی درحال مهاجرت و خروج از کشور هستند. پس من در برخورد با موضوع کووید-۱۹، سعی کردم دردها، مرارت‌ها و کمبودهای این قشر را انعکاس دهم. به اضافه این‌که قشر پرستار نیز مانند سایر اقشار جامعه، با فقر و گرانی و حقوق ناچیز روبه‌رو است.

درباره این خستگی کمی بیشتر برای ما توضیح بده؛ چون من این روزها با هر کسی که صحبت می‌کنم، از همین خستگی حرف می‌زند. به نظر می‌آید طی یک سال اخیر که موضوع کرونا پیش آمده، همه مردم و به‌ویژه مردم ایران کلافه‌تر و خسته‌تر از قبل هستند.

وقوع چنین وضعیتی از نظر من، نتیجه تراکم اتفاقات بد، پیدا نشدن منفذ برای نفس کشیدن و از بین رفتن و بسته شدن همان چند نقطه امید کوچک است؛ یعنی این شرایط چیزی نیست که ناگهان به وجود آمده باشد، نتیجه ۴۰ سال سیاست و حکمرانی حکومت فعلی در ایران است. گمان می‌کنم یک بخش عظیمی از آدم‌ها در ایران حداقل تا ۲۰ سال پیش معتقد بودند که می‌شود تغییر و اصلاح مثبتی را در سیستم حکومتی کشور به وجود آورد. اما متأسفانه حکومت در مقابل آن‌ها بسیار بی‌انعطاف بود و حتی یک قدم نیز در جهت همراهی با خواسته‌ها و مطالبات مردم برنداشت. در موج‌های مختلف اعتراضی مردم ایران طی ۲۰ سال اخیر، مانند سال‌های ۱۳۷۸، ۱۳۸۸، ۱۳۹۶ و ۱۳۹۸، چنین ناامیدی

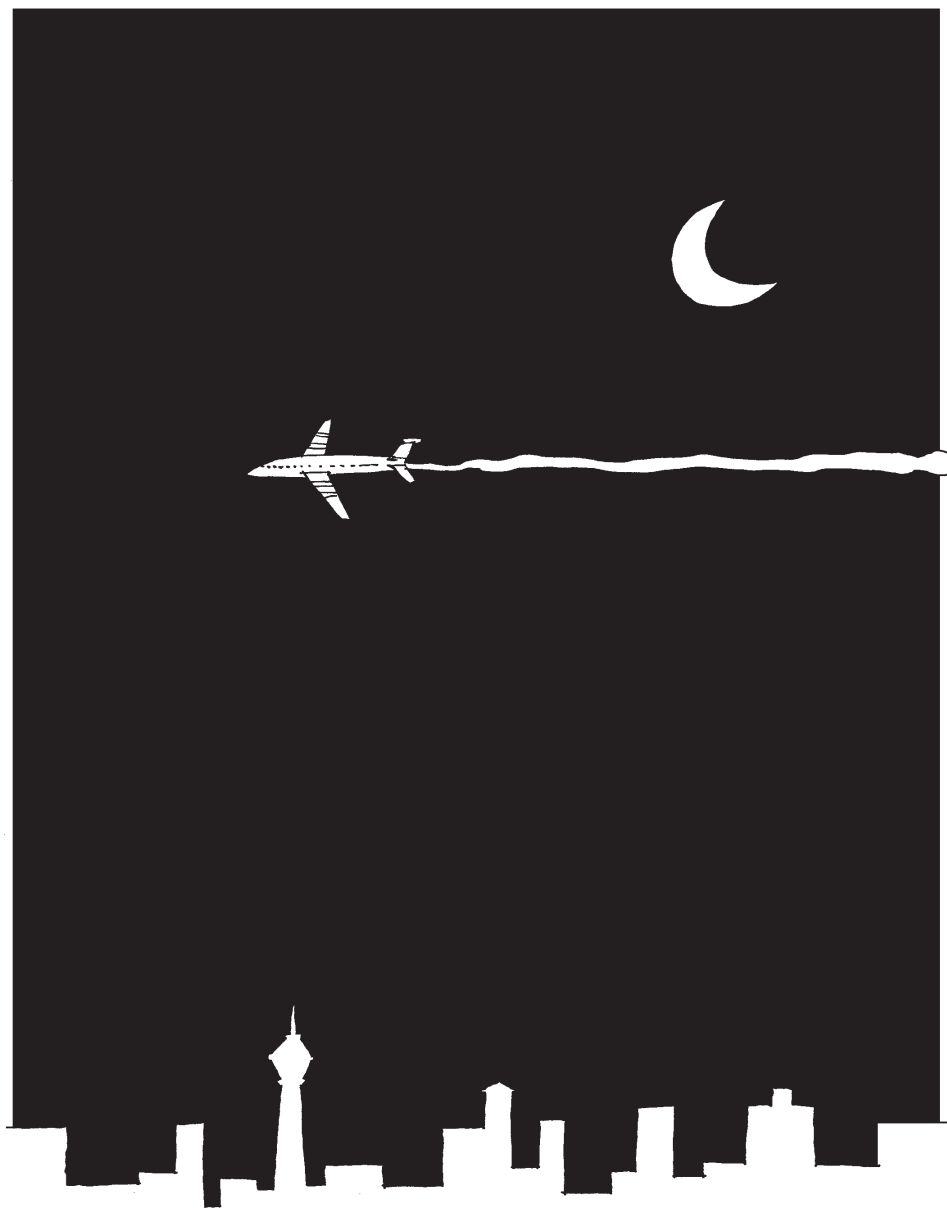
و عصبانیت مردم را می‌بینیم که هربار با واکنش چکشی، سرکوب و خفه کردن از طرف حکومت مواجه شدند و تمام منافذ امید به روی‌شان بسته شد. حکومت جامعه را به حالت استهلاک و تلاش بیهوده رساند تا یک حالت خستگی جمعی به وجود بیاید.

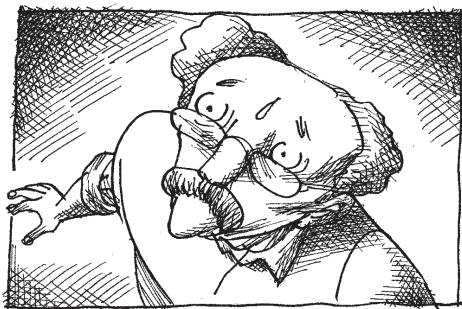
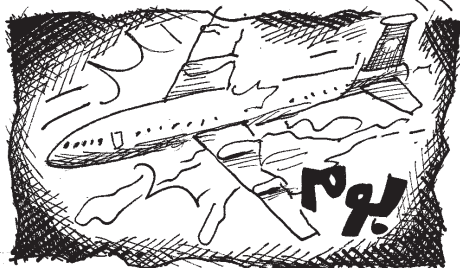
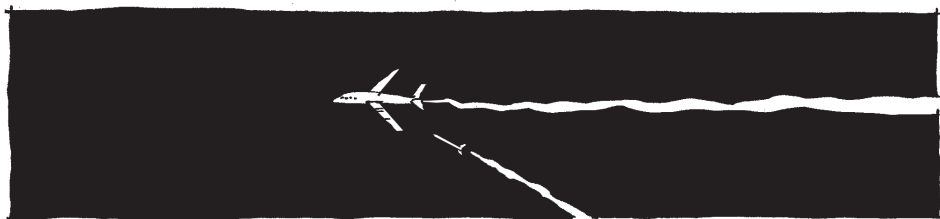
لطفاً برای‌مان از تفاوت‌های «گرافیک ناول» (Graphic Novel) با «کارتون» (Cartoon) بگو و این‌که چنین کتاب‌های مصوری باید دارای چه ویژگی‌هایی باشند و تفاوت عمده آن‌ها با کارتون‌های روزانه‌ای که می‌کشی، چیست؟

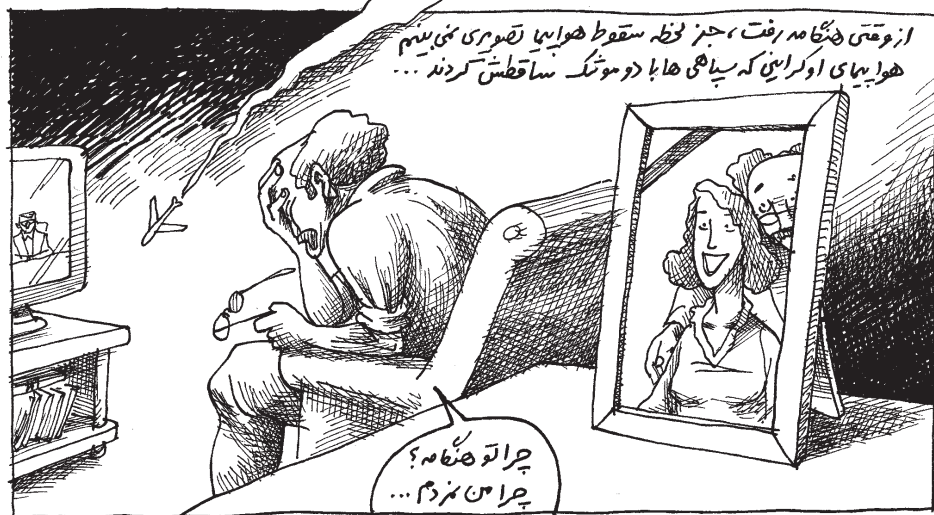
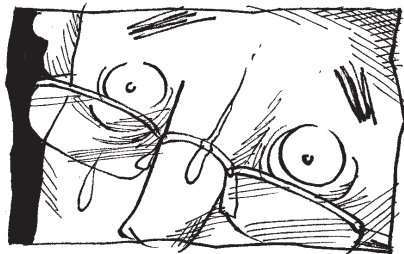
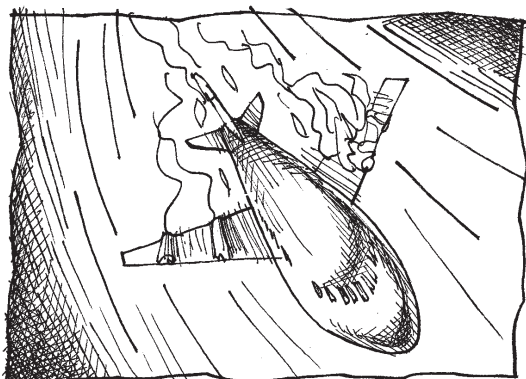
تفاوت اصلی کارتون با گرافیک ناول، زمان و فضای بیشتر برای قصه‌گویی و شخصیت‌پردازی است. نمی‌توان گفت که اصولاً کارتون دارای قصه نیست اما تعریف قصه در کارتون یا کارتون ادیتوریال به کلی متفاوت با گرافیک ناول است. در کارتون، ما یک قاب داریم که در فضای آن باید داستان کوتاهی را تعریف کنیم تا شرح‌دهنده‌ی اتفاقی در جامعه باشد. پس برخلاف ناول، زمان کافی برای شخصیت‌پردازی عمیق وجود ندارد. در کارتون می‌بایست در یک قاب، تمام شخصیت‌ها را معرفی کنیم که مثلاً کدام قاتل است و کدام مقتول. همین مشخصه گاهی موجب می‌شود تا سوالات و ابهاماتی به وجود بیاید و انتقاد شود که مثلاً چرا در فلان کارتون، فلان شخصیت دارای خصوصیت منفی یا مثبت است. این‌ها همان طرز برخورد اشتباه با کارتون هستند که برخی گمان می‌کنند منظور کارتونیست این بوده است که «تمام نظامی‌ها» بد هستند یا «تمام آخوندها» خوب. پس من ناگزیرم تا از تیپ‌سازی و اشاره مستقیم در کارتون استفاده کنم؛ برای نمونه، وقتی می‌خواهم یک کاریکاتور یا کارتون درباره سقوط هواپیمای اوکراینی بکشم، باید آن مسوول مستقیم در سپاه پاسداران را نشان بدهم. این اشتباه خواهد بود که بخواهیم در گرافیک ناول یا داستان بلند هم مانند کارتون، تیپ‌سازی کنیم؛ چون نتیجه کار شما یک کارتون دو ساعته یا ۸۰ صفحه‌ای می‌شود که طبیعتاً بیهوده است.

آیا قبول داری که طی یک سال اخیر، آثارت در رابطه با حکومت جمهوری اسلامی تندتر و انتقادی‌تر شده‌اند؟

من معتقدم که کارتون و کاریکاتور باید بازتابنده وضعیت فعلی و حال‌وهوای جاری در فضای سیاسی اجتماعی کشور باشند و طبیعتاً من هم تحت تاثیر این فضا هستم. در کشوری مانند آمریکا هم می‌بینیم که وقتی رئیس‌جمهوری بر سر کار می‌آید که نسبت به عملکردش از سوی مردم انتقاد وجود دارد، فضای کارتون‌های ادیتوریال نیز تندتر و منتقدانه‌تر می‌شود. کارتون ادیتوریال، آینه‌ای در برابر حال و روز جامعه هدف است. البته که شرایط و وضعیت کارتون‌نویست هم در کیفیت و سبک کارتون تاثیر می‌گذارد. منی که کارتون‌نویست هستم، دستگاه پرینت کارتون نیستم تا طرحی فرمایشی و فرمالیته را به اجرا دریاورم؛ مثلاً در شرایط فعلی، روحیات و نگاه شخصی من بدون شک تحت تاثیر اتفاقات بد هستند. اما اگر زمانی حس کنم که اصلاحات واقعی یا تغییرات مثبت و بهبود شرایط برای مردم در حال رقم خوردن است، نمی‌توانم روی آن‌ها چشم ببندم و همراه مردم نباشم.





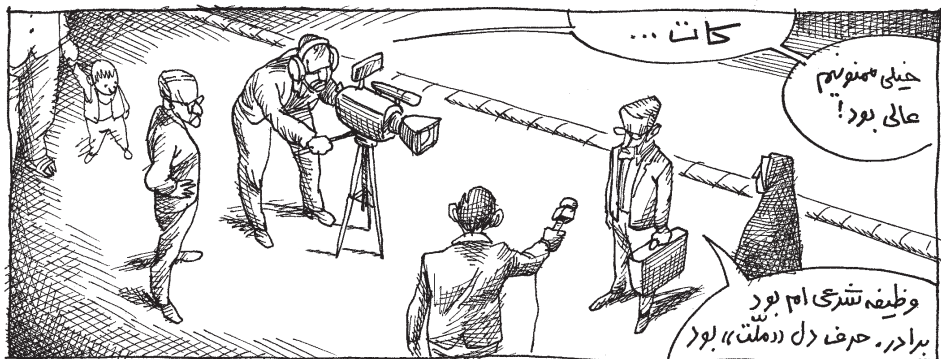


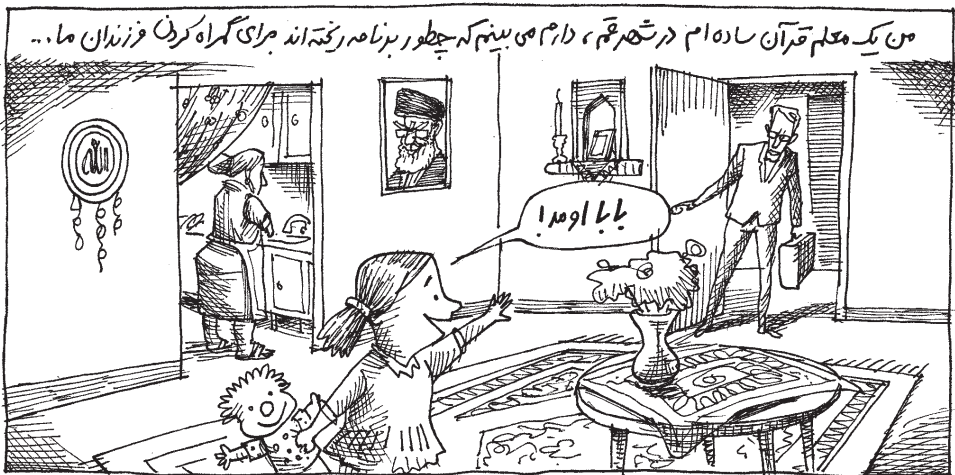
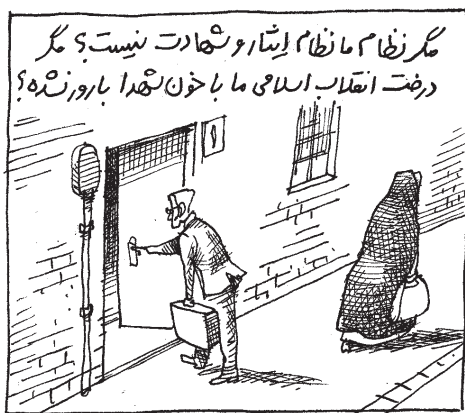
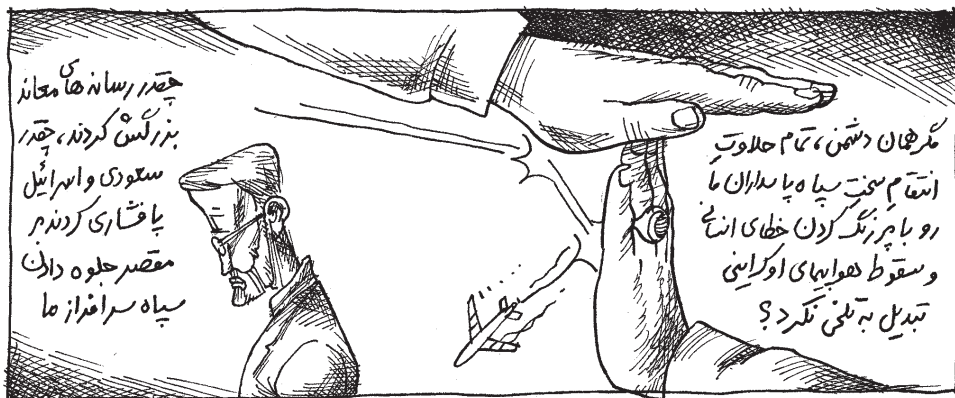


ببیندگان عزیز خود را روز انتخابات مجلس است! دشمنان نظام  
این بار شایعه بیماری کرونا را برای کاهش مشارکت ملی کرده



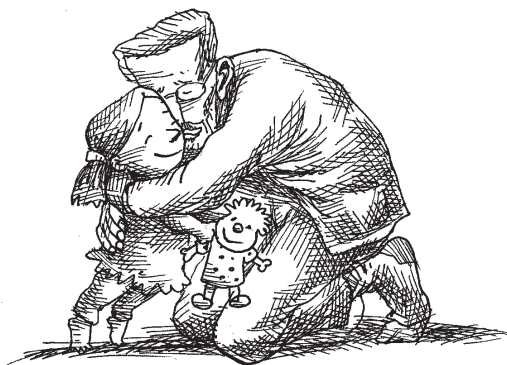


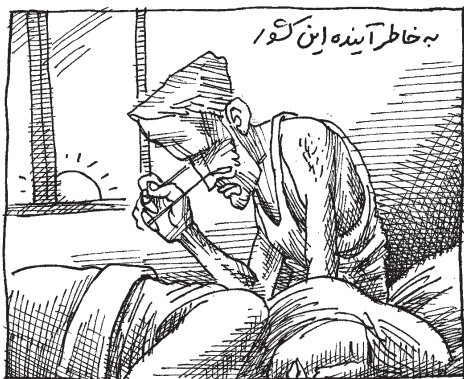




برای بی دین کردن فاطمه و فاطمه ها ...

فاطمه جان!





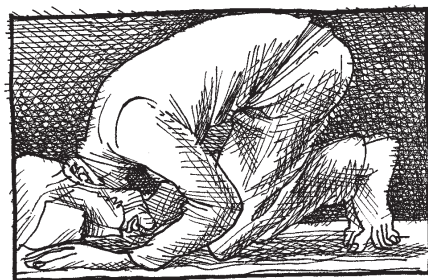
به خاطر آینده این کشور



پس به خاطر فاطمه و فاطمه ها...



بایه رفت...

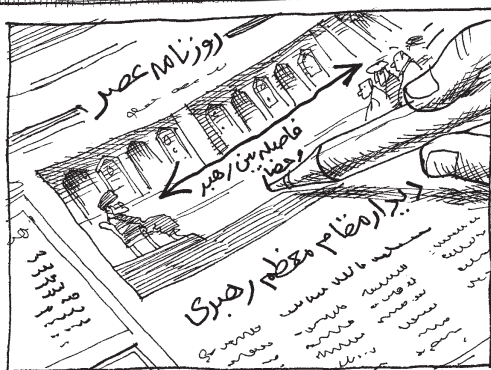
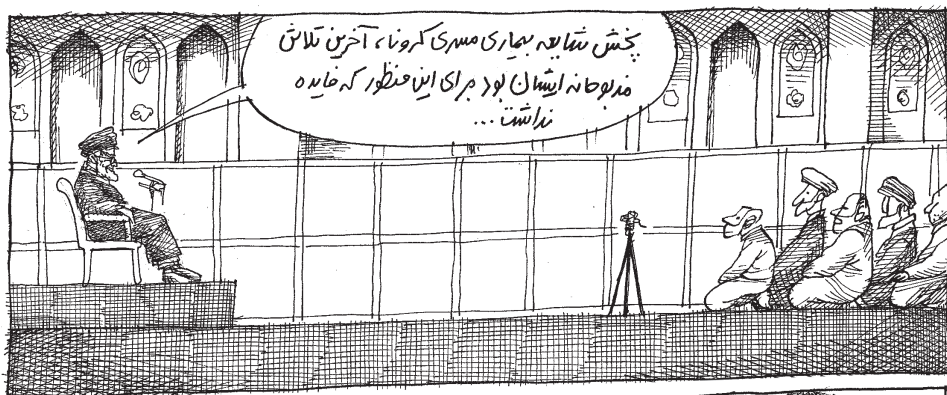


به خاطر حفظ ارزش های اسلامی و رضای خدا



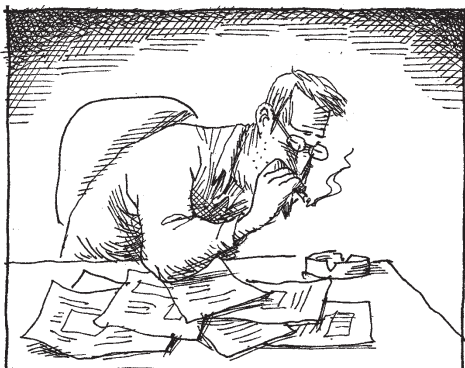
... بی توجه به دروغ و شایعه ها، دشمن، در صفوف به هم فشرده پای صندوق های رای ایستاد

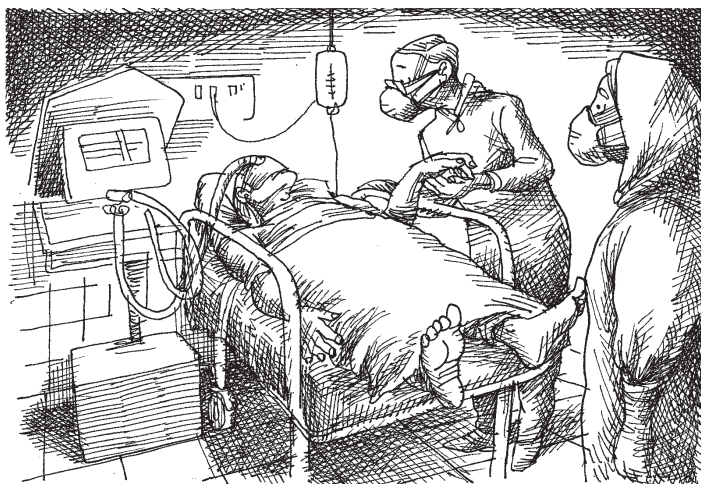








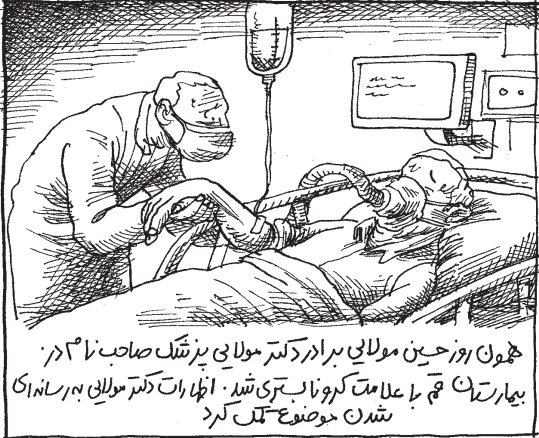




همزمان گزارش‌های فراوانی از بیمارستان‌ها می‌آید که  
بیمارانی با علائم مشابه کرونا می‌مردند و از اون‌ها آزمایش  
گرفته نمی‌شد!



۱۵ بهمن ۹۸ سازمان پداغند عامل اعلام  
کرد که وضعیت کرونا در ایران نلغفده!



همون روز حین مولایی برادر دکتر مولایی پز شک صاحب نام ۲۴  
بیمارستان قم با علامت کرونا بتری شد. اظهارات دکتر مولایی بر رسانه های  
شدن موضوع تکم کرد

همزمان افراد مختلف در شهر های مختلف  
کو را با انتشار کلیپ های ویدئو ورود کرونا  
در مناطق خود رو اعلام کردند.



من خودم چند بار موقع  
دارم که به خاطر عفونت  
ریه بیمارستان بتری نند!  
ملت! کرونا وارد کردستان  
شده!  
مسئولین  
دروغ می گن



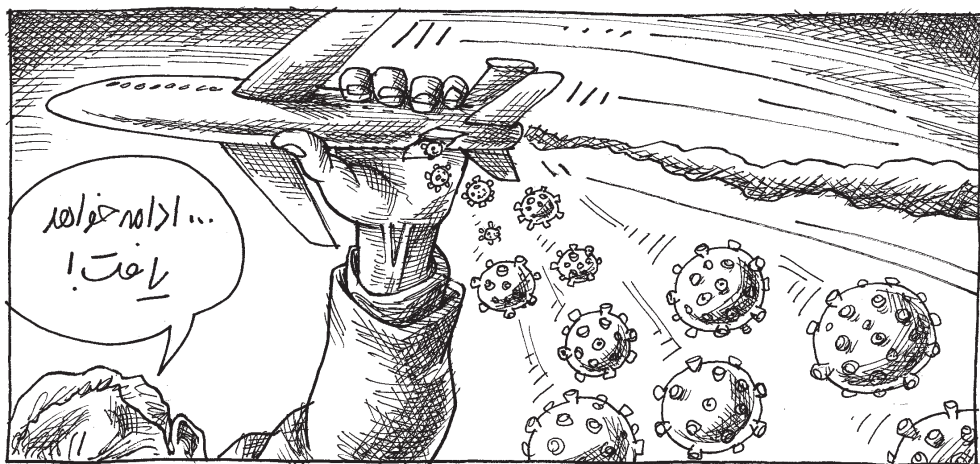
نیروهای امنیتی اکثر اون ها رو شناسایی، بازداشت  
و وادار به تلبیب حرف های خود کردند!  
خریب خورد ۲۴... دروغ گفتم.  
کرونا آجا بود؟ ببخشید منو

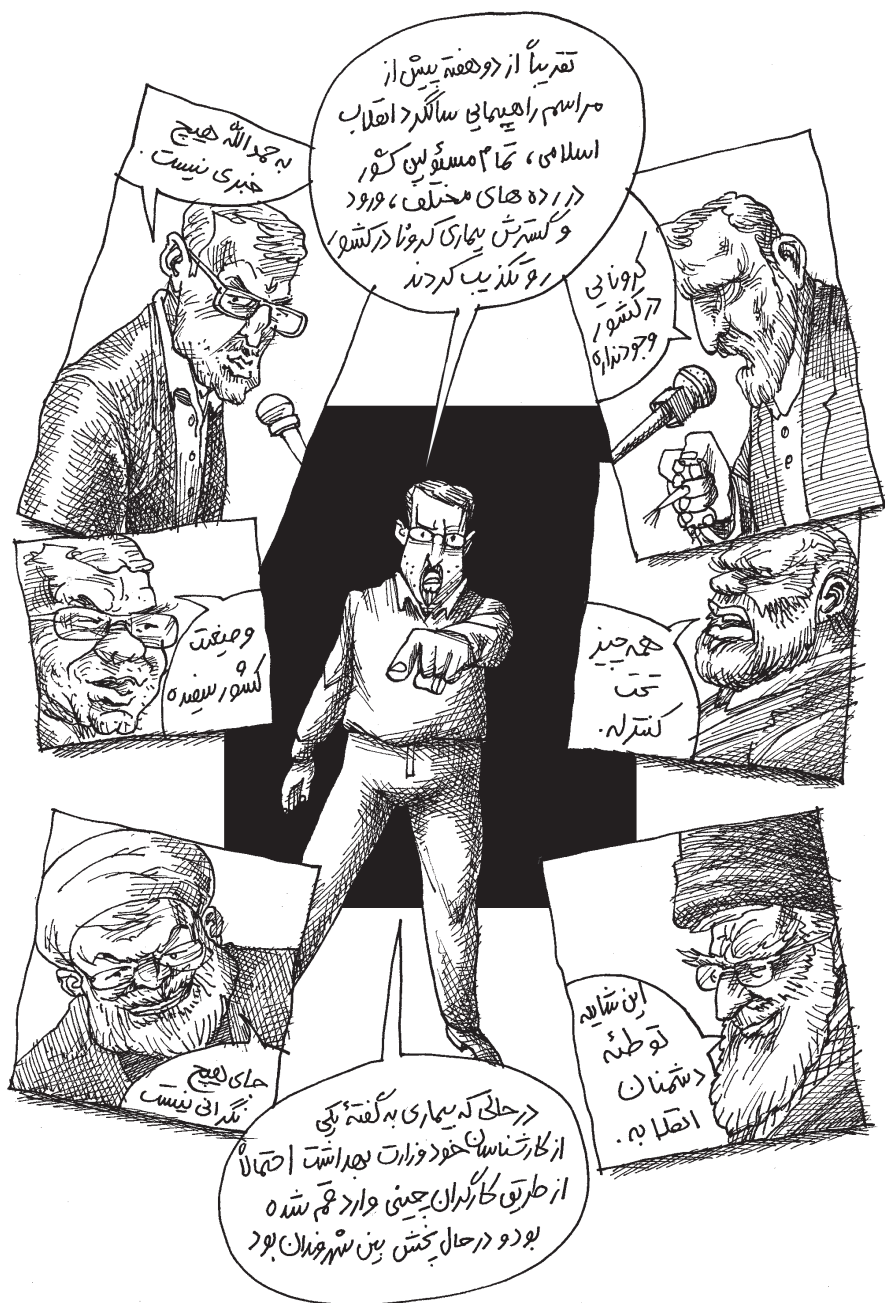


نیروهای انتظامی اجازه نخواهند داد که شایعه سازان،  
آرامش ذهنی و هوطن ما رو در آستانه راهپیمایی سالگرد انقلاب و  
انتخابات مجلس بر هم بزنند!



۱۹ بهمن مسئولین اعلام  
کردند تمام پرواز های چین در  
هم خطوط هوایی لغو شده...  
کنارش ها از برنامه های  
پرواز نشون داد این  
ادعا دروغ بوده...  
چرا؟





تقریباً از دو هفته پیش از  
مراسم راهپیمایی سالگرد انقلاب  
اسلامی، نماینده مسوولین کشور  
در ده‌های مختلف، ورود  
و گسترش بیماری کرونا در کشور  
را به تزیب کردند

به خدا الله هیچ  
خبری نیست

کرونا  
در کشور  
وجود ندارد

و صفت  
کشور سفید

همه چیز  
تحت  
کنترل

حای هیچ  
نشدانی نیست

این شاه  
توطئه  
دشمنان  
انقلاب

در حالی که بیماری به گفته برخی  
از کارشناسان خود وزارت بهداشت احتمالاً  
از طریق کارگران چینی وارد قم شده  
بود در حال بخش بین شهرستان بود

به این ترتیب، هر اسمی ساکن در آفتاب در قم و سایر شهرها اینرا می‌پندارند و هر دم بول و عارت فاصله را هیچ اصل بهداشتی در خیجیات و راهی‌های ها شترکت کردند.



پنج اسفند یکی از خبرگزارها به نقل از احمد امیرآبادی  
فرماندهای نماینده قلم در مجلس اعلام کرد سه هفته است که

بیماری کرونا وارد قلم شده اما  
مقامات مخفی کرده اند!



او گفت ما الان پنجاه نفر در قلم مرده اند و ۲۵۰ نفر  
قرنطینه اند و وزیر بهداشت در این خصوص محقر است.

والش وزیر  
بهداشت:



نهایتاً ۱۲ نفر در  
انر کرونا مرده باشند

از اولن مرحله، مقامات عزیز ما برنامه تحفیف اعلام  
و تغییر آمار بیماران رو به جای تزیین مطلق در پیش گرفته

علی اکبر ولایتی  
مشاور بین المللی  
رهبری و رئیس  
بیماریان مسیح  
دانشوری:



«و هفته بعد اعلام شد خود آمای ولایتی مبتلا  
به کرونا شده و مدتها بستری بود!

توطئه  
دشمن! ها!

منحنی ابتلای بیماری  
کرونا در قلم رو به کاهش است.  
اخبار اوج گرفتن بیماری در قلم دشمن است!



با شدت گرفتن همه گیری در قلم، مسیح محرز عضو کمیته  
بیماریهای عفونی وزارت بهداشت گفت:



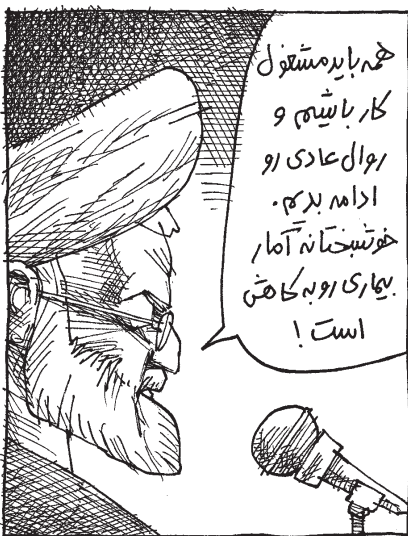
قلم باید به خاطر  
رفت و آمد زیاد  
زوار و ملت،  
حتماً قرنطینه  
بشه!

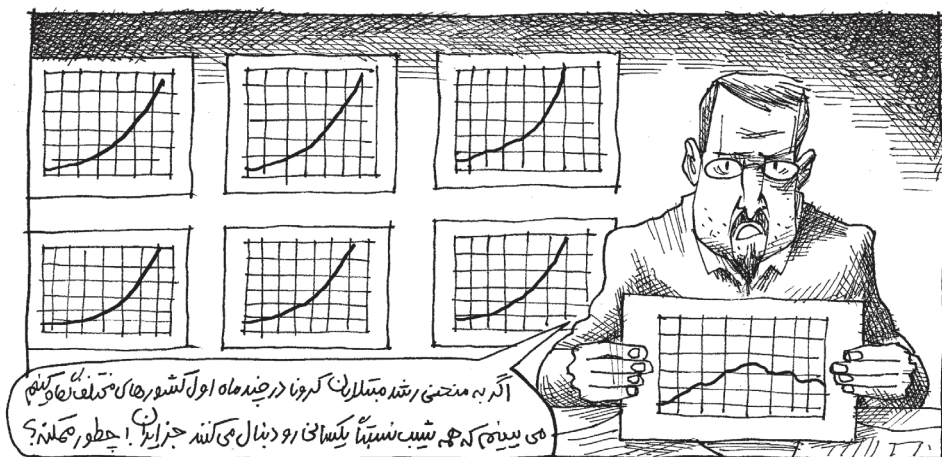
والش حرمی معاون کل وزارت بهداشت در برابر  
این خواسته منطقی چنین بود:

ما قویاً با قرنطینه  
مخالفتیم!

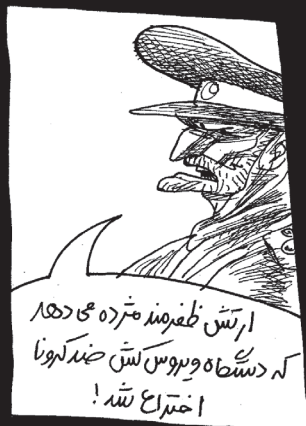
قرنطینه عملی  
در قلم و سطانی است!







در حالی که رسانه‌های رسمی مثل تلویزیون ایران صحبت‌های بی‌پایه و دروغین مقامات سیاسی، نظامی و مذهبی رو  
در این باره پخش کرده‌اند!



واکنش مراجع عالی رتبه مذهبی هم مگنی به درمان دردهای مردم به حال  
خودرها شده نندرد!

آیت‌اللهی و سوره که  
خوانید به لطف خدا دفع بلا  
شود!

زیارت عاشورا و  
حدیث کسا خوانید  
باشد که بیماری از شما  
دور گردد!

فهم و هیچ شهر دیگری تا این تاریخ قرنظینه  
نشده، کرونا در سرتاسر کشور پخش شده و مردمی  
چشم‌پیدا کرده موج‌های متعدد آمده  
و هزاران نفر در کام خود فرو برده، مرگ  
مستلزم در بسیاری موارد، «لا سکت» «نازار»  
رله «و موارد دیگر» ثبت شده تا در آمار رسمی  
گروناوارنگه...



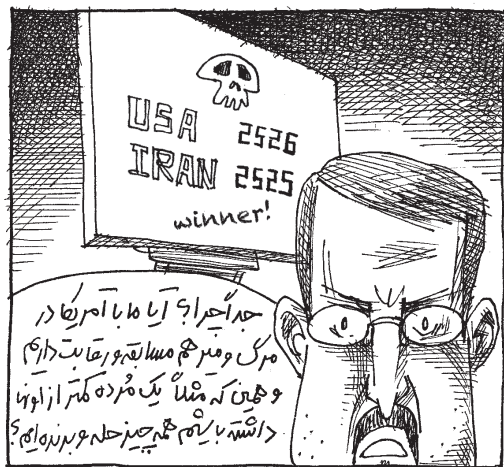
از مقامات سیاسی و حکومتی تا  
سیاست‌گذاران قضایی و هنری همگی  
از امواج دوا و سوم بیماری در امان  
نمانند...



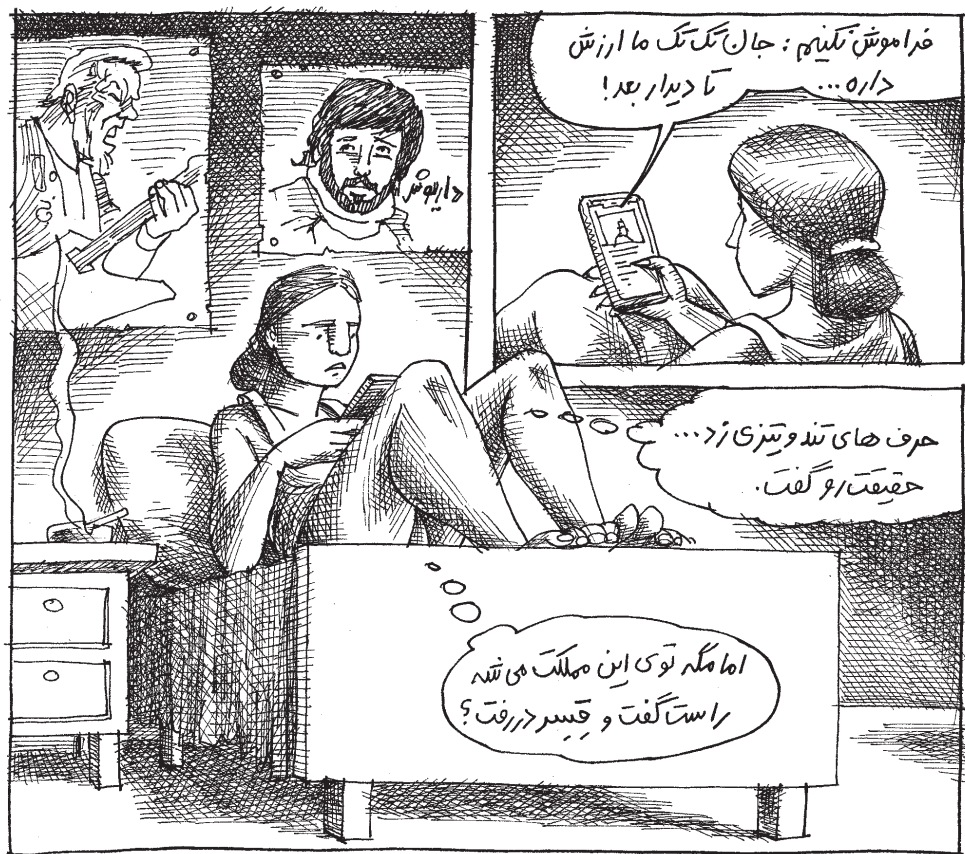
خبر و سینمایی کارگردان بزرگ سینمای ایران که  
مدت به دنبال فتنه بود که

فیلمی بود که  
مردود شده  
رسمی اجازه آن  
را نمی‌داد پس  
از وبسایت  
کرونا بود!



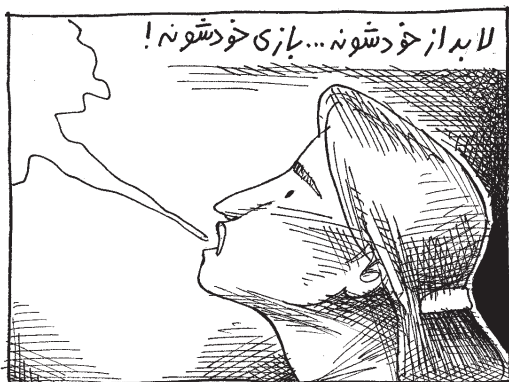








همه چیز بازی... همه چیز قلابیه... به هر چی  
دل می بندیم... همه چیز که به نظر درست میاد...  
قالبیه!



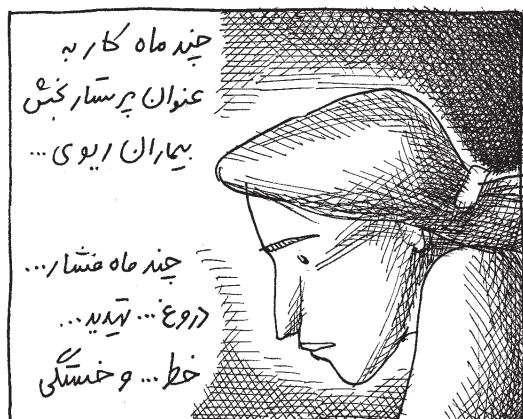
لابد از خودشونه... بازی خودشونه!



وگرنه همه مای دویتم که واقعیت حی از حرف های این آما  
تا جورتره...

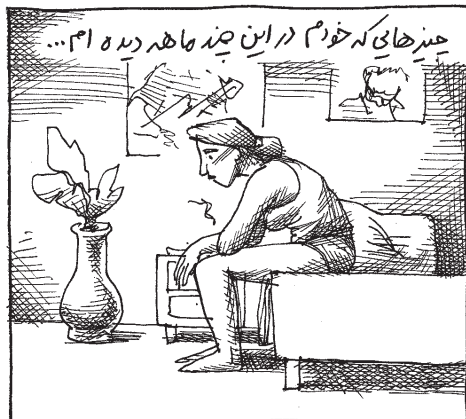
مترگان دیرت نشه!

دارم آماده می شتم ما در!



چند ماه کار به  
عنوان پرستار بخش  
بیماران ریوی...

چند ماه فشار...  
دروغ... آیدیه...  
خط... و خستگی

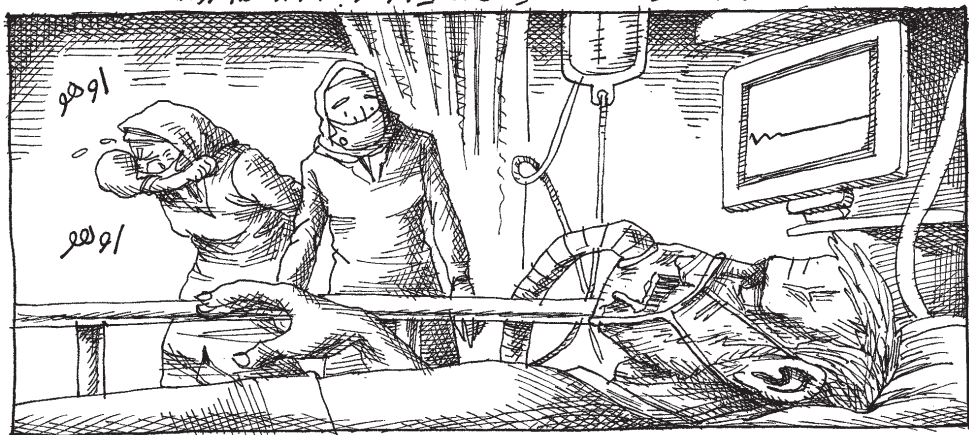


چیزهایی که خودم در این چند ماهه دیده ام...

روزهای اول روز افروزش منی کفم... بعداً بیمارانی که در بخش رو به افزایش بود...



دکتر قربانی کرونا گرفته بود. جنی سریع تمام ریه اش رو در لنگر کرد و بعد از دو هفته دراز کشید.



و بعد پرستار معینی مبتلا شد و از دست رفت



بعد نوبت دکتر حسینی بود و بعد از او نایم پرستار لقی



بعد از پرستار لقی نایم پرستار کامرانی... دکتر حمیدی... دکتر اسدپور و جنی های دیگر. من قبلاً در رفته ام!

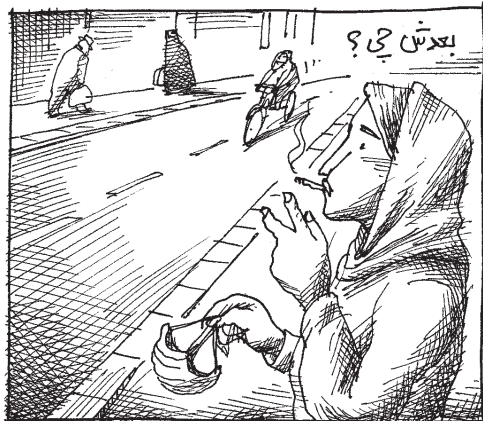
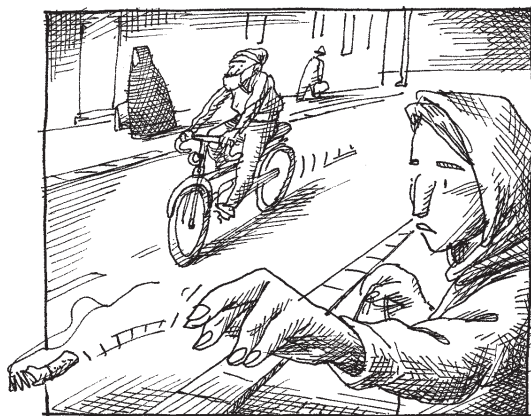


آیت الله العظمیٰ عابدینی نمایندہ ولی فقیہ «قرنوبن»





چیرفمیده ام از زندگی ام در این سی سال ؟



بعرض چی ؟



از دواج کنم ، بچه ای پس بندازم تا سی سال بعد  
در بهترین حالت ، همین جای الان من ایستاده باشم ...



جووورون ، باماسک هم  
خوب [...] دسسی !

بین مردمانی که از فشار فقر و تورم و تحریم و دزدان گند دیکه له شده اند یا اینکه یاد گرفته اند برای زنده موندن و منفعت بردن ماسک بزنند... همه تیت این ماسک ها، ماسک دیگری دارند.

